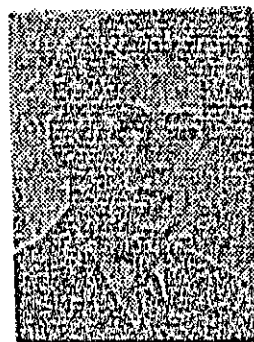


یکی از مباحثی که باید در ماهنامه تحقیقی گوهر از این پس مورد توجه قرار گیرد مسائل جغرافیاییست که باید هم‌دوش قضایای تاریخی پیش رود. و از محققان و جغرافی‌دانان خواستاریم که در این قسمت ما را یاری دهند.



پوریم (فریم)

پایتخت گرهستانی

آل قارن (قارنیان) و آل باوند (باوندیان)

در کتابهای تاریخی و جغرافیایی بعد از اسلام، بویژه در کتابهای تاریخ محلی طبرستان، اسم جایگاهی بنام پریم یا فریم ثبت و ضبط شده است که مرکز حکومت یا پایتخت آل قارن (قارنیان) قارن و ندان یا کارن و ندان و آل باوند (باوندیان) بوده است. بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار، کاتب و مؤلف تاریخ نفیس طبرستان، در ضمن بیان وقایع آغاز فرمانروائی آل باوند و انتصاب سهراب (سرخاب) پسر باو بد فرمانروائی دولت باوندیان در قرن اول هجری چنین مینویسد: «و مردم کوه قارن یاری داده ناگاه شبیه خون به پنجاه هزار آوردند و ولایش را گرفته بدو نیم زده و هر کرداریافتندی از آن جساعت و سرخاب (سهراب) را به پریم بردند و به شاهی نشانند و بالای تالیور که دیده است پایان قلعه کوزا بجهت او قصر و گرماوه (گرماوه) و میدان ساخته و اصفهبد شروین آن عمارت زیادت گردانید، و اثر آن در میان بیشه همه برجایست»^۱

ابو اسحاق ابراهیم اصطخری، جغرافی‌دان و سفر گزار معروف ایرانی در قرن چهارم هجری، در آثار جغرافیایی خود^۲ از پریم (فریم) نام برده و مینویسد: «واز فریم تاساری یک مرحله دارند. و قرارگاه قارن کی پادشاه ایشان بود این جایگاه است و

* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ‌نویسان محقق معاصر

دارالملك ایشانست و ذخیره‌ها و خزینده‌ها آنجا دارند» و نیز «در کوه‌های روبنچ و پاروسپان و قارن هیچ قصبه نمیدانیم مگر شهر و فریم و آن از جمله قارن کوه است». در کتاب حدود العالم که نمونه نثر فارسی قرن چهارم هجری است درباره پریم چنین نوشته شده است: «پریم قصبه این ناحیت «کوهستان قارن» است و مستقر سپهبدان به لشکر گاهی برنیم فرسنگ از شهر و اندروی مسلمانان اندو بیشتر غریب اندو پیشه‌ور و بازرگان، زیراک مردمان این ناحیت جز لشکری و برزیگر نباشد و بهر پانزده روزی اندروی روز بازار باشد». یاقوت حموی در معجم البلدان از پریم (فریم) نام برده حمدالله مستوفی در نزهة القلوب (قرن هشتم) نوشته است: (بعضی از قوه‌س گرفته و بعضی از توابع مازندران، و اکثر اوقات داخل ساری می‌باشد و به والی وقت تعلق دارد، و بعضی داخل قوه‌س کنند و بعضی داخل ساری)». ۳ لسترنج در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی در مورد پریم (فریم) چنین نوشته است: «نزدیک قادوسپان ناحیه کوهستانی قارن قرار داشت که مرکز حکومت دودمان قارن بود. گفته میشود نسبت این خاندان به پارتها میرسد. بهر حال نام سرداران قارن در تاریخ ساسانیان ذکر شده و در عهد مسلمین نیز فرمانروایان آن ناحیه بوده‌اند استوارترین دژ دودمان قارن که از دوره ساسانیان در تصرف آنان بود فرم (فریم) نام داشت و آبادترین شهر آنها شهر سهار یا شهر (شهمار) بود ۴ و مسجد جامع منحصر بفرد آن ناحیه در این شهر جای داشت» ۵

۵. ل. رابینو در کتاب مازندران و استرآباد درباره پریم (فریم) چنین نوشته است: «قلعه بزرگ پناهگاه قارن و ندها که ایشان از زمان قدیم در تصرف داشتند فریم بود» رابینو در جای دیگر کتاب خود نوشته است: «ابو خزیمه یکی از حکام عرب در دوره عباسیان در آنجا ساخلو گذاشته بود. قارن و ندها یا سوخرائیاق لقب (جر شاه) و (ملك الجبال) داشتند و اخلاف یکی از نجیب ترین تیره‌های هفتگانه ساسانیان بودند که مورخان عرب آنها را (اهل البیوتات) میخواندند. آنان از ۵ سال قبل از هجرت تا سال ۲۲۴ هجری که آخرین شهریار آن دودمان در زمان معتصم خلیفه عباسی بقتل رسید بر قسمتی از طبرستان حکومت داشتند» ۶.

بنابر آنچه در تواریخ آمده است فرمانروائی بر نقاط کوهستانی طبرستان از عهد اسکندر مقدونی تا عهد قباد ساسانی پدرانوشیروان در اختیار خاندان جنفشاه بود. در زمان خسرو انوشیروان ساسانی بطوریکه ابن اسفندیار تصریح کرده است ۷

عظیم قدرترین و با مرتبه‌ترین فرمانروایان ملوک الطوائفی ایران در اواخر دوره اشکانیان و آغاز حکومت ساسانیان گشنسب داد (جنف یا جشنسب). شاه فدشوارگر بود (بحکم آنکه اجداد جشنسب از نایبان اسکندر مقدونی به قهر غلبه فدشوارگر باز

ستده بودند) بهمین جهت و بنا بر سنت مقدس میهن پرستی پادشاهان ایرانی ، اردشیر بایکان مؤسس و بنیانگذار حکومت ساسانیان نیز پس از استقرار بر سریر سلطنت به احترام اینکه افراد این خاندان از قهرمانان نهضت مبارزه بایگانگان یونانی بوده اند ، اختلالی در کار حکومت آنان که فرمانروائی نقاط کوهستانی طبرستان (پدشخوارگر) را بر عهده داشتند ایجاد نکرد و هیچگونه مزاحمتی نیز برای آنان فراهم نیاورد . از شرح احوال این خاندان اصیل ایرانی اطلاع وسیعی در دست نیست تنها از مفاد نامه تاریخی قن سر ، هیربدان هیربد ، که در جواب نامه جشنسفشاه فرمانروای پدشخوارگر صادر شده ودالات بر عظمت واستقلال این سلسله دارد ، مطالبی مستفاد میگردد که بسیار جالب توجه است . حکومت خاندان جشنسف در این سرزمین تا زمان قباد ساسانی ادامه داشت تا اینکه در سال ۵۱۹ میلادی قباد حکومت ناحیه کوهستانی طبرستان را به فرزندش کاوس (کیوس) که از پیروان مزدک نیز بود داد . کاوس در جریان اختلاف بر سر سلطنت اندکی بعد از جلوس خسرو انوشیروان در (۵۳۱ میلادی) به قتل رسید .

بعد از کشته شدن کاوس ، خسرو انوشیروان حکومت ناحیه کوهستانی مازندران را به یکی از پسران زرمهر سوخرا بنام کارن (قارن) که از بازماندگان هفت خاندان اصیل و نجیب دودمان اشکانی (کارن پهلوی) بودند سپرد . از فرزندان قارن سلسله معتبری در این ناحیه تشکیل یافت که به قارن وندان (کارن وندان) معروفند و آنان راسوخراثیان ووندادیان نیز می گفتند . ابن اسفندیار در این مورد چنین آورده است : «زرمهر که مهتر برادر بود زابلستان برگزید ، و قارن که کهنتر بوده و ندا و میدکوه و آمل و لغور و فریم که کوه قارن میخوانند . و در خدمت انوشیروان به طبرستان آمد و مدتی شهنشاه به حد تمیسه بنشست و عمارت فرمود و هر طرف به رئیسی داد و این جمله مواضع بدو باز سپرد و بامداین شد . و این قارن را اصفهبد طبرستان خواندند»^۸

- ۱ - تاریخ طبرستان تألیف ابن اسفندیار به تصحیح مرحوم عباس اقبال آشتیانی جلد اول صفحه ۱۵۶
- ۲ - مسالك وممالك اصطخری به اهتمام ایرج افشار صفحه ۱۷۰ - ۱۶۹
- ۳ - نزهة القلوب حمدالله مستوفی بکوشش محمد دبیرسیاقی صفحه ۲۰۱
- ۴ - این محل با شه میرزاد مطابقت دارد .
- ۵ - سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ترجمه محمود عرفان صفحه ۳۹۸
- ۶ - مازندران و استرآباد تألیف ه ل . راینو ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب صفحه ۱۹۹
- ۷ - تاریخ طبرستان تألیف ابن اسفندیار صفحه ۱۴
- ۸ - تاریخ طبرستان تألیف ابن اسفندیار صفحه ۱۵۲